

RIO DE JANEIRO, BRAZIL—4 June 1992

ترجمه‌ای غیررسمی و غیرنهایی از

توسعه پایدار و روح انسانی^۱

تنظیم شده بر اساس بیانیه «اساسی‌ترین چالش» ارائه شده در جلسه عمومی کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه (اجلاس ریو، اوج زمین، ۱۹۹۲)

ریو دو ژانیرو، برزیل - ۴ ژوئن ۱۹۹۲

فراتر از سوالات فنی و سیاسی در مورد اینکه چه محدودیت‌هایی بر گازه‌های گلخانه‌ای باید اعمال گردد، چطور می‌توان توسعه پایدار را ارتقا بخشید و اینکه چه کسانی برای تمامی این موارد هزینه خواهند کرد، این سوال اساسی در مقابل جامعه جهانی قرار دارد که آیا نوع انسان با الگوهای ریشه‌دار و عمیق اختلاف، منفعت‌طلبی و رفتار کوتاه‌نظرانه‌اش می‌تواند خود را به همکاری روشن‌بینانه و برنامه‌ریزی‌های بلند مدت در مقیاس جهانی متعهد نماید؟

فرایند اجلاس ریو از یک سو پیچیدگی و از سوی دیگر بهم وابستگی مشکلات پیش روی نوع انسان را آشکار ساخت. هیچ یک از مشکلاتی نظیر نابرابری‌های تضعیف‌کننده توسعه، خطر فاجعه‌آمیز گرمایش جوی و از بین رفتن لایه اوزون، ظلم و تعدی بر زنان و نادیده گرفتن حقوق کودکان و اقلیت‌ها، بدون توجه به سایر مشکلات نمی‌توانند به طور واقع‌بینانه‌ای مورد بررسی و تأمل قرار گیرند. بدون درجه بالایی از همکاری و هماهنگی در تمام سطوح که فراتر از هر تجربه جمعی نوع انسان است نمی‌توان به طور کامل به هیچ یک از این معضلات پرداخت.

^۱ ترجمه نسخه ۱.۰.۲

با این وجود، امکان بالقوه برای چنین همکاری به دلیل فروپاشی کلی شخصیت انسانی تضعیف یافته است. فقدان گسترده انضباط اخلاقی، ستودن حرص و انباشت مادیات، از هم فروپاشی فزاینده خانواده و جامعه، افزایش بی‌قانونی و بی‌نظمی، سلطه نژادپرستی و تحجر و اولویت بخشیدن به منافع ملی در مقابل رفاه نوع انسان، همه گرایش‌های متداولی در جهان هستند که اگر چه به طور معمول در ارتباط با مسائل محیط‌زیست و توسعه مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرند، ولی اعتماد و اطمینان را که شالوده همکاری است از بین می‌برند.

تغییر این گرایش‌های مخرب برای برقراری وحدت و همکاری ضروری است. چنین تغییری نیازمند درک عمیق‌تری از ماهیت انسان است زیرا اگر چه اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و علم ابزارهای مهمی برای پرداختن به بحران‌های بهم وابسته پیش روی بشریت ارائه می‌دهند، اما راه حل حقیقی برای بهبود وضعیت پرمخاطره امور عالم تنها وقتی بدست خواهد آمد که بعد روحانی ماهیت انسان در نظر گرفته شده و قلب انسان تحول یابد.

اگر چه در این میان جنبه‌های شهودی وجود دارد که به آسانی قابل توضیح نمی‌باشند، اما بعد روحانی ماهیت انسان را می‌توان، در عمل، به عنوان منبعی از خصائصی در نظر آورد که ورای منفعت شخصی باریک‌بینانه پیش می‌روند. چنین خصائصی شامل محبت، شفقت، شکیبایی، اعتماد، شهامت، تواضع و فروتنی، همکاری و تمایل به فداکاری برای منفعت عموم است؛ خصائص شهروندانی روشن‌ضمیر که قادر به ساخت یک تمدن جهانی هماهنگ هستند.

تغییرات عمیق و پر دامنه و همچنین وحدت و همکاری بی‌سابقه‌ای که لازمه تغییر مسیر جهان برای حرکت به سمت آینده‌ای عادلانه و از نظر زیست‌محیطی پایدار است، تنها از طریق تأثیر بر روح انسانی و توسل به آن دسته ارزش‌های فراگیری امکان‌پذیر خواهد بود که خود به تنهایی می‌توانند افراد و جمعیت‌ها را به گونه‌ای توان‌دهی نمایند که منطبق با منافع بلندمدت کره زمین و نوع انسان به عنوان یک کل عمل نمایند. هنگامی که این منبع قدرتمند و پرتحرک انگیزه فردی و جمعی مورد استفاده قرار گیرد چنان روح عظیم و مؤثری در بین مردم کره زمین منتشر می‌سازد که هیچ قدرتی یارای مقابله با نیروی وحدت بخش آن را نخواهد داشت.

حقیقت روحانی بنیادین عصر ما یگانگی نوع انسان است. پذیرش فراگیر این اصل و مقتضیاتش در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی، مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری‌های غیرخصومت‌آمیز، صلح و امنیت جمعی،

برابری جنسیتی و تعلیم و تربیت عمومی، سازمان‌دهی مجدد و ادارهٔ جهان را به صورت کشوری واحد و وطن نوع بشر ممکن می‌سازد.

بیش از صد سال پیش حضرت بهاءالله، دولتمردان و مردمان زمین را به داشتن بینشی جهان‌شمول فرا خواندند: «لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم». این دعوت هنوز نیازمند اجابت است.